

خروج نیرو های نظامی خارجی از افغانستان و تأثیرات اقتصادی آن

بقرار آخرین ارقام به تعداد ۱۱۷۰۰۰ نفر قوای فعال محارب خارجی در افغانستان اقامت دارد و با اضافه قوت های اکمالاتی این رقم در حدود ۱۴۰۰۰۰ نفر میرسد. گرچه زیاده ترین فیصدی معاشات افراد ملکی و نظامی خارجی به حسابات بانکی شخصی هریک در اوطان اصلی شان پرداخته می شود و نیز خوراک و پوشاک و مصارف متفرقه هم توسط قرار داد های جیهونی از امریکا و اروپا و ممالک دیگر توسط شرکت های خصوصی تهیه میگردد، با آنها خدمات متممه، اکمالاتی، جانبی و ضمنی مؤلّد یک سلسله فعالیت های اقتصادی در ساحه استخدام و خلق عاید و سائر تشبثات اقتصادی در کشور میزبان میگردد که در صورت انقطاع آن اقتصاد ملی افغانستان متأثر میگردد.

درین نوشته روی سخن بالای عواقب سیاسی و امنیتی خروج این قوا از جنبه های داخلی و خارجی آن نیست، بلکه تنها تأثیرات همه جانبه مالی محتوای این نوشته را می سازد.

همین حالا با وضاحت دیده میشود که قبل از فرا رسیدن موعد معین، صرف آوازه بر آمدن سپاه تأثیرات روانی را ایجاد نموده که مستقیماً بالای وضع اقتصاد کشور اثر منفی گذاشته است که با ذکر مختصر آن در اینجا بسنده میشود:

اول- عدم علاقه مندی متشبثین خصوصی خارجی و داخلی برای سرمایه گذاری در افغانستان از واهمه خطرات امنیتی، گرچه سرمایه گذاران داخلی با وصف حضور این قوت ها طی یک دهه اخیر چندان اقدام قابل ذکر در جهت سرمایه گذاری هایی نکرده اند که موجب تقویه و رشد واقعی اقتصاد ملی شود.

دوم- فرار سرمایه، بآنکه این کار در طول ده سال گذشته یک رسم متداول بود، ولی هنگامه خروج نیرو های نظامی فرار سرمایه را از کشور سرعت بخشیده است.

سوم- فرار مغز ها: رونق اقتصادی و انکشاف مخصوصاً در ساحه تجارت و امورشاختمانی تاحدی انگیزه جلب ماهران مسلکی از بیرون شد، ولی اعلام خروج قوای خارجی در سال 2014 نه تنها موجب تقلیل این فعالیت ها گردید بلکه یکده هموطنان از ترس تکرار حوادث سالهای دو دهه قبل در صدد یافتن راه فرار از کشور برآمده اند.

در این ارتباط باید با تأسف تصریح کرد که دولتمردان افغانستان بنابر مصروفیت های عدیده جایز و نا جایز طی ده سال اخیر توجه لازم را در عرصه طرح های بنیادی اقتصادی که مؤلّد خود

کفافی کشور و ایستادن بیای خود شود، معطوف نکردند. اصلاً موضوع آینده افغانستان اندک ترین جایی در مغز های عاری از تفکر سالم گردانندگان سیاست های اقتصادی نداشت و به عبارت دیگر به مسائل حیاتی مملکت به شیوه «کلوخ بمان و از آب بگذر» برخورد صورت گرفت و برای هر معضله علاج کوتاه مدت و آنی بدون محاسبه علمی «مصرف- مفاد» جستجو می شد. زیاده گویی نشود که با مطالعه عمیق اقدامات دولت در ساحة انکشاف اقتصادی استنتاج بشکلی است که بدبختانه جای عنصر مسئولیت و شمه از حب وطن را عادت «بمن چه!!! و روز گذرانی» و به اصطلاح «تا که می چلد می چلانیم» گرفت. لذا هریک از بالا تا پائین احوال را نا پایدار دیده برای آخرین بهره برداری شخصی اراده و نیت نمودند و کسانی روی صحنه آمدند که در تعلق شان به این خاک شک و تردید ایجاد می گردد. اگر احساس واقعی وطن دوستی و مسئولیت در برابر وجدان و مردم افغانستان می بود و این وطن کارزار چور و چپاول قرار نمیگرفت و اگر در پهلوی هزاران سود جویی شخصی و استفاده های نا جایز از بیت المال اندکترین اندیشه خدمت به وطن وجود میداشت، ضرورت نوشتن این مضمون نبود و در عوض بکمال افتخار می گفتم که افغانستان حالا تا حدودی زیادی به سطح خود کفافی رسیده و برآمدن سپاه خارجی تأثیر چندان بر اقتصاد ملی افغانستان ندارد. متأسفانه واقعیت اینطور نیست. ما از ورشکستگی، دست نگری، وابستگی و تکیه بر همت دیگران شروع کردیم و با فرو بردن بلیون ها دالر به کیسه این وطن، باز هم ما همان دست نگر و گدا و محتاجی که بودیم هستیم. مصیبت اینجاست که با سرازیر شدن کمک ها به پیمان های بی سابقه و غیر قابل تصور و خلق فضای مجازی اقتصادی، سطح توقعات مردم و حجم استهلاك صد چندان بالا رفت و دیگر قناعت ده سال پیش سراغ نمیگردد و عادت به «آبخور بالا» آینده را وخیم نشان میدهد.

دوستان خارجی را که ما دایه مهربانتر از مادر پنداشتیم و سر غفلت بر سر زانوی ناز پرور شان گذاشتیم، چون از ما جدیت، فعالیت، ابتکار، جرأت، بازخواست و ادعای حق مالکیت ندیدند، کلوخ های کوچک در آب ماندند و گذشتند. برای ایجاد و توسعه ظرفیت های ملی اقدام لازم صورت نگرفت و پلانگذاری ادارات انکشافی ممالک ذیدخل مخصوصاً USAID علی الرغم سوابق چندین ساله و موجودیت انبوهی از مطالعات در ساحات مختلف اقتصادی و اجتماعی چنان غیر واقع بینانه، عاجل و غیر مستمر بود که مایه تعجب همه و حتی مورد انتقاد مقامات و مؤسسات خود آنها قرار گرفت. اگر نظر گذرا به لست اهداف انکشافی این اداره انداخته شود، تعداد پروژه ها از دو صد با اهداف کتابی (غیر واقعی) در ساحات مختلف تجاوز میکند و اما مقایسه دستاوردها در عمل و اهداف تعیین شده نتیجه مثبتی را نشان نمیدهد.

اگر فعالیت ها (ماجرا جویی های) USAID تنها در ولایت هلمند تحت بررسی قرار گیرد، اکثر تشبیهات بدون سنجش و محاسبه و بیشتر بطور عاجل، بدون تسلسل و تداوم رویدست گرفته شده اند، چنانچه یک پروژه به مصرف ملیون ها دالر شروع و بعد از مدتی متوقف و قرارداد جدیدی با عین شرکت عقد گردیده است؛ احداث سرک ها توسط کلوله سنگ های دریایی (بعد از سه ماه کار متوقف شد)، پروژه خیالی مرغ داری (بجایی نرسید)، احیای فابریکه جن و پرس پخته هلمند و غیره از جمله مثالهای بارز اند. علاوه با مصرف صد ها ملیون دالر و استخدام پنجهزار محافظ و سرباز توربین سوم برق کجکی با تلفات سنگین انتقال یافت، مگر کمپنی چینیایی قرار دادی خلاف تعهد میدان را رها کرد و توربین را نصب نا کرده پا به فرار گذاشت. دستگاه تولید برق دیزلی قندهار از نرسیدن دیزل که بمصرف ملیون ها دالر اعمار گردید، اکنون از فعالیت باز مانده است.

دستگاه تولید برق تره خیل که یکصد میلیون دالر تخمین شده بود، بمصرف چهار صد میلیون دالر تکمیل ولی مصرف سالانه دیزل آن از صد میلیون دالر تجاوز میکند.

درین ده سال اداره مسؤول آب و انرژی به رهبری «دپلوم انجنیر!!» اسمعیل خان اندکترین توجه به احیای مجدد بندهای ویران شده بزرگ برق کشور نکرد و برای اعمار بند های جدید برق آبی پلانی طرح نشد. متأسفانه درین ساحه ما گروگان تاجکستان، ازبکستان و ترکمنستان شدیم. پروژه تقریباً بسر رسیده سلما توسط سبوتاژ ایران از رسیدن به پایۀ تکمیل باز مانده و مصارف ساختمان آن از تخمین اولی چهار چند بالا رفته است. بند کمال خان که قریب به بهره برداری بود، بنابر دلایل آشکار فعلاً کار آن معطل گردیده و با این ترتیب آب های سرمست و خروشان ما که سرچشمه های آن خاک ما است، نعره کشان بدون استفاده خارج شده و بدیگران حاصل آفریده و نور اعطا میکند.

در بخش زراعت و مالداری USAID پروگرام وسیع البنیاد و کثیر الاهدافی را بنام ASAP - پروژه های تسریع تداوم و استمرار که در سال ۲۰۰۶ آغاز و در سال ۲۰۱۱ باید عملی می شد و مشتمل بر ده ها پروژه زراعتی، آبیاری، مالداری و تعاونی بود، نتایج عملی آن درجهت رسیدن به اهداف تعیین شده غیر محسوس است.

خلاصه اندکترین وزش باد در سمت مخالف برای اقتصاد بی سر و پای افغانستان حکم طوفان را داشته تأثیرات منفی و همه جانبه آن بالای قشر نادار مملکت بیحد سنگین و ویران کن است.

با موجودیت چنین احوال برآمدن قوای نظامی خارجی از کشور عواقب ذیل اقتصادی را بار می آورد:

اول: انحلال شرکت های خصوصی امنیتی و قطع قرار داد های ملیون دالری، با آنکه ملیون ها دالر عاید اشخاص و شرکا طبق معمول جاری اکثرأ به بانک های خارجی سرازیر شده و ثمری برای افغانستان نداشته است، ولی در حدود چهل هزار افغان درین شرکت ها با معاشات بمراتب بلندتر از معیار افغانی استخدام شده اند. با قطع این قرار داد ها اگر هر خانوار را پنج نفر محاسبه کنیم، در مجموع در حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر متضرر میگردد. علاوه به مستخدمین امنیتی یک تعداد دیگر بحیث مأمور، پیشخدمت و موتر ران درین شرکت ها کار میکنند که عاید خود را از دست میدهند.

دوم: غیر فعال شدن شرکت های حمل و نقل افغانی که اکنون درقسمت اکمالات فعالیت دارند.

سوم: تخلیه منازل شخصی که توسط قرار دادی های ساحه نظامی بکرایه گرفته شده اند.

چهارم: نزول قیمت جایداد ها که در طول سالهای گذشته بطورسرسام آور و تعجب آور بالا رفته بود.

پنجم: فسخ قرار داد های کرایه موتر های شخصی که تنها در ولایت قندهار و هلمند به دو هزار عراده میرسد.

ششم: بیکاری مأمورین، مستخدمین، ترجمان های محلی، آشپز، پیشخدمت و موتر ران در شرکت های وابسته به خدمات نظامی.

هفتم: قطع پروگرام های باز سازی ولایتی PRT با تمام فعالیت ها و کمک ها و قرارداد های محلی و استخدام پرسونل افغانی.

هشتم: متضرر شدن و مسدود شدن رستوران ها، هتل ها ، انتیک فروشی ها و بقالی ها ، مشروبات فروشی ها و غیره.

نهم: انقطاع کمک های مختلف تحت برنامه های خاص وزارت دفاع ممالک ذیدخل برای باز سازی محلاتی که از نفوذ طالبان تصفیه شده اند، مخصوصاً در ولایات جنوبی، شرقی و جنوب شرقی .

دهم: قطع کمک ها معتابه که راساً به وزارت مالیه پرداخته می شود.

یازدهم: تنقیص در مجموع تخصیصیه کمک های انکشافی، امریکا تخصیصیه کمک غیر نظامی سال ۲۰۱۳ را صد ملیون دالر کم ساخت، به همین منوال نه تنها خروج قوای نظامی بلکه پریشانی اوضاع اقتصادی در ممالک کمک دهنده بر حجم کمک ها مؤثر است.

پایان